

گاج دوخته شده توسط اداره و اشنگتن و تلاش بمنظور طرح مجازات مضاعف پهلوه‌ای ناپیدای همسویی ایالات متحده با دستجات مسلح نامتحد در آمیخته شدن سیاست خارجی با رنگ و لعاب مذهب

پس منظر بازنگری تعهدات بین المللی و چگونگی پیامدهای آن
افغانستان در گفتمان سیاست خارجی کشورهای منطقه
چگونگی گسترش و توسعه "شرکت‌های چند ملیتی"
فاجعه کنونی بکجا خواهد انجامید؟

مجازات مجرمان و مرتکبان اعمال خلاف هنجارها و عادات مسلم عرف هر جامعه، از ابتدا در اندیشه‌های آغازین جوامع بشری بگونه سرزمینی مطرح بوده و اعمال میگردید، پایین معنای که مجرم در محلی که مرتکب جرم شده بود، محاکمه و مجازات میشد و تعقیب و مجازات، در قلمرو توسط حاکمیت کشور محل ارتکاب جرم صورت میگرفت. تلافی اندیشه سرزمینی بودن محدودۀ اعمال قانون و مجازات با ایده وابستگی افرادی که دولت و حاکمیت (که بعدها در مفهومی تحت عنوان تابعیت مطرح گردید) و اهمیت دولتها با اعمال و رفتار شهروندان آن خود در قلمرو سایر کشورها منجر بایجاد مسؤلیت کیفری و مواخذه و مجازات شهروندان بدلیل ارتکاب برخی از عملکردهای مجرمانه در خارج قلمرو سرزمینی و پذیرش آن در نظام کیفری اکثریت قریب بتمام دولت‌ها گردیده و سبب شده تا بگونه تدریجی، زمینه و بستر ایجاد مفهومی تحت عنوان مجازات مضاعف در حقوق کیفری میان حاکمیت‌ها پدید آمده و بعدها تحت عنوان مجازات مضاعف در مفهوم بین المللی مطرح گردد. مجازات مضاعف در مفهوم درون مرزی یا بعبارت دیگر در حقوق داخلی، پس از مفهوم بین المللی آن مطرح بوده است و در بیان ساده، تلقی از مجازات مضاعف بمعنای داخلی، محاکمه و مجازات مجرم بدلیل ارتکاب یک عمل واحد در نقاط مختلف یک کشور یا یک حاکمیت است، در حالی که مفهوم بین المللی مجازات مضاعف، ناظر بر محاکمه و مجازات مضاعف، ناظر بر محاکمه و مجازات متهم در محل ارتکاب جرم (خارج از محدودۀ دولت متبوع) و هم در محل دیگری شد. در شرایط و وضعیت کنونی، اندیشه مجازات مضاعف در مفهوم داخلی و درون مرزی با مطرح شدن قواعدی مانند اعتبار امر مختومه و یکپارچه شدن نظام قضایی و کیفری در درون حاکمیت و تقویت مفاهیمی مانند حقوق متهم و مجرم و رعایت عدالت و انصاف حتا در کیفر مجرمان و قبح اعمال کیفر مجدد بخاطر یک عمل مجرمانه واحد تقریباً منتفی گردید.

در شرایط و وضعیت کنونی که "طالب"ها مسند قدرت را در اختیار داشته و بر سر نوشت شهروندان کشور ما حکم می‌رانند، در آنطرف اقیانوس‌ها، در محدودۀ کشور ایالات متحده، تشکیل کمیسیونی در مورد نتایج جنگ و درگیری‌های مسلحانه ۲۰ ساله ایالات متحده در افغانستان مطرح بحث قرار گرفته و قرار شد تا گروه تخصصی دوحزبی در باره مسأله یادشده مؤلف گردیده و گزارش مفصلی را در مورد توضیح و تشریح دلایل شکست شرم آور اداره و اشنگتن در حماسه کشور عزیز ما افغانستان و بویژه درباره درگیری‌های مسلحانه دوده‌ه پشین در میهن افغان‌ها تهیه نمایند. در درگیری‌های پاره انداخته شده مسلحانه در امتداد دوده‌ه پشین در میهن عزیز ما، مبلغ ۲،۲ تریلیون دلار برای مالیه دهنده‌های ایالات متحده هزینه در برداشت. کمیسیون یادشده در پایان سال ۱۳۹۹ خورشیدی، بلافاصله پس از فرار نظامیان امریکایی از کشور ما، بکارش آغاز نموده و در ماه‌های پشین، رؤسای مشترک بمنظور دستیابی به نتایج قابل قبول اظهار امیدواری نموده اند. اما با وجود اینهمه، بکار و نحوه عملکردهای مقامات قبلی و سابق وزارت امور خارجه و نظامیان پنتاگون و در مورد ریاست گروه تشکیل شده کارشناسان در مورد یادشده، اصلن نمی‌توان چندان امیدوار بود. گذشته از آن، آنها باید هزاران سند را مطالعه و بررسی نموده، با صدها تن از مقاما

ت کنونی و قبلی دولت ایالات متحده در مورد چگونگی حضور نظامیان ایالات متحده در کشورما در امتداد سال های ۲۰۰۱ - ۲۰۲۱ و برنامه ها و نحوه اشتباهات و خطاهای ستراتیژیک نظامیان یادشده در اراضی متعلق بکشور عزیزما، مصاحبه و گفتگومی نمودند. در نهایت امر، بایست پذیرفت که تقریباً همه موارد بگونه دلخواه تکوین نپذیرفته و سایر مسایل مطرح بگونه غیرقابل انتظاری، خراب گردید. از تصمیم ستراتیژیک اشتباه آمیز بمنظور پایه گذاری دموکراسی به سبک غربی در کشورما گرفته تا کشتار و بخاک و خون کشاندن شهروندان ملکی بیدفاع کشور ما توسط نظامیان امریکایی و سواستفاده های گسترده ای در برنامه "بازسازی افغانستان"، بویژه در امتداد سال های پسین موجودیت امریکایی ها در کشورما در گزارش های جان سپکو، سرپازرس ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان (سیگار)، حقایق متعددی از فساد و سواستفاده های گسترده در موارد یادشده برملا گردید. بر همین بنیاد، عده ای از دست اندرکاران مسایل مربوطه اظهار نموده و یاددهانی بعمل آوردند که بتعداد ۵۰ تن از متخصصان را استخدام نموده و قصد دارند بحقایق و شواهد و فاکت هایی در باره مسایل مورد نظر دسترسی حاصل نموده و اما آنها همچنان یاددهانی بعمل آوردند که در نتیجه کارشان "هیچ قهرمان بی آلابی" اصلن باقی نخواهد ماند.

ازجانب دیگر، آنها در جریان کارشان متذکر گردیده و تأکید بعمل آوردند که در پی آن نمی باشند تا به مقصران امر یادشده اشاره نمایند. با وجود رویکرد اینچنینی، آنها همچنان متذکر گردیدند که قصد ندارند تا مسؤلیت های شخصی و یا اشخاصی را بویژه در شکست و ناکامی عملیات مسلحانه ایالات متحده در افغانستان برملا نمایند. با وجود اینهمه، بر بنیاد گزارش های رسانه ها، مقامات اجرایی مختلف ایالات متحده، در حال حاضر، مسؤلیت شکست در کارزار افغانستان را به بهترین شکل ممکن "توجیه" می نمایند.

کارشناسان کمیسیون مربوط به بررسی چگونگی وضعیت در کشور عزیزما، بگونه شگفت آوری، وظیفه عمده اش را اصل "عبرت گرفتن" از حوادث اتفاقیه در درگیری های مسلحانه ایالات متحده در کشورما می پندارند تا اداره و اشنگتن بگونه بهتر و خوبتری برای مداخلات جدید و نوین آماده گردد. در پنتاگون، از جمله، پرسش عمده چنین مطرح می گردد که چه کارهایی می توان انجام داد تا نسل های بعدی در برخی مداخلات ناشناخته اداره و اشنگتن در خارج از محدوده ایالات متحده بگونه کارا تر و موثرتر اقدام نمایند؟

این امر قابل توجه پنداشته می شود که کمیسیون یادشده در مورد قضایای کشورما، باید اصل عینیت و بیطرفی خود را در قبال مواد گزارش یادشده در خط مقدم قرار می داد. در عین حال، کارشناسان ظاهرین با طالبانی که امریکا بی ها را از کشورشان بیرون راندند، قصد صحبت و مذاکره با آنها را ندارند. چگونه آنها نمی خواهند با افراد و اشخاصی گوش فرأ دهند که واقع می توانند چشمان شهروندان ایالات متحده را در قبال حقایق ناخوشایند در مورد سیاست خارجی شکست خورده و اشنگتن در افغانستان باز نمایند.

عده ای از مقام های مسؤل در ایالات متحده، بگونه کلی دلایل شکست نظامیان امریکایی در کشورما را بر شمرند. بعقیده بسیاری از آنها، و اشنگتن در محاسبه تبدیل افغانستان بمثابه تخته خیز علیه روسیه، چین و ایران، دچار خبط و اشتباه جبران ناپذیری گردید. پنتاگون موفق نگردید تا بگونه واقعی مدت زمان حضور و موجودیت نظامیان امریکایی در افغانستان را معین و مشخص نماید، در چنین وضعیتی و در نتیجه کار، با یک درگیری طولانی مدت و پرهزینه سردچار شد. همچنان در گزارش مرکز مطالعات ستراتیژیک که به "طولانی ترین جنگ" ایالات متحده در کشورما اختصاص داده شده، آمده است که ستراتیژیست ها و دست اندرکاران امریکایی و در مجموع، اداره و اشنگتن بمفهوم اخص کلمه، هنگام تصمیمگیری در مورد حمله و تهاجم بسرزمین و اراضی افغانستان در آغاز سال ۲۰۰۱ ترسایی، در واقعیت امر، با احتمال و اکنش منفی شهروندان افغانستان کم بها داده و به خصوصیات و ویژگی های جامعه افغانی اصلن وقعی قایل نگردیدند. بخاطر ما باشد که ناکامی و عدم موفقیت نظامیان ایالات متحده در کشورما، عمدتاً در ارزیابی های غیرواقعی در مورد چگونگی شدت و حادث گردیدن درگیری ها در کشورما و بویژه موجودیت و یا احساس غرور ناشی از موقعیت یک ابر قدرت با برتری های نظامی تأثیر بسزایی داشت. نظامیان امریکایی پرسش هایی را از همدیگر باین شرح مطرح می نمودند که درگیری های آغاز شده چگونه و چه زمانی بانجام خواهد رسید؟

قابل یاددهانی پنداشته می شود هنگامی که ایالات متحده پس از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، بکشورما حمله نموده و در نتیجه رژیم و حاکمیت نخستین "طالب" ها ساقط گردید، پس از مدت زمانی، افسران ارشد نظامی پیشینی نمودند که با درگیری درازمدتی در افغانستان دست و پنجه نرم خواهند نمود. با اینحال، پس از موجودیت و حضور

طولانی مدت در اراضی متعلق بکشور عزیزما افغانستان، تحمل هزاران کشته و مجروح و هزینه نمودن بیلیون ها دالر در کارزار افغانی، وضعیت مبهم و وسیع کلمه، به بن بست رسید. اما گزارش هایی در مورد، حاکی از این امر می باشد که مأموریت پنتاگون در افغانستان از تمرکز محدود بر ضد تروریسم، بیک تلاش گسترده ملت سازی آنها بدون بحث در مورد پیامدهای آن و چگونگی حضور و موجودیت نظامیان امریکایی در کشورما، سبب ساز تشدید کازار نظامی و مسلحانه گردیده و درگیری های خونینی، بیش از پیش گسترش یافت. وضعیت اینچنینی بدون در نظر داشت تجارب تاریخی کشورما و بدون بررسی عواقب عملکردهای نظامیان امریکایی، اوضاع را بمفهوم وسیع کلمه بد و بدتر نمود. چه، ادامه توسعه عملکردهای ستراتیژیست های نظامی، بازرنگری دکترین نظامی بویژه بمنظور گنجانیدن بحث در مورد گزینه انتخاب ها، اهداف دولت وجدی گرفتن و بها دادن به تجربیات تاریخی دیگران در عرصه های مورد بحث، بیش از هر زمان دیگر بایست در اولویت سایر اقدامات و عملکردهای موجود قرار داده می شد که چنین نشد.

بربنیاد شواهد وفاکت های موجود، از جمله گاج های آماده شده، یکی هم گاج دوخته شده ای تحت عنوان "داعش خراسان" می باشد. نسخه "داعش خراسان" به پیشنهاد انگلوساکسون ها و امریکایی ها عرض وجود نموده و تو سط ماهواره های آنها بهمگان بگونه بسیار ناشیانه ای بنمایش گذاشته شد. در مورد "داعش خراسان" بایست متذکر گردید که قبل برین، "داعش خراسان" بزبان عربی صرف "داعش" نامیده می شد. گروه یادشده، نه با امر یکایی ها، بلکه با "طالب" ها مصاف داده و علیه آنها موضعگیری نمودند.

قابل یاددهانی پنداشنه می شود که ملی گرایان اسلامگرا و داعشیان، درکل بمثابه جهادگران جهانی پنداشته می شوند. پس از آنکه گروهها و هسته های خوابیده "داعش" وارد کارزار گردیدند، مسأله یادشده با امریکایی ها در میان گذاشته شد، اما آنها مسأله یادشده را کم اهمیت جلوه داده و اما "القاعده" را بمثابه تهدید اصلی معرفی نموده و در این دمر پافشاری بعمل آوردند.

عده ای از جنگجویان "طالب" ها متذکر شدند که زمانی که آنها به درگیری با "داعش" آغاز کرده و آنها را تحت فشار قرار دادند، در آنزمان چرخ بال های امریکایی ظاهر شده و داعشی های در حال نابودی را به محلات امنی انتقال دادند.

در گزارش گونه ای که توسط مارک کانسیان، دگروال بازنشسته تفنگداران دریایی ایالات متحده تهیه گردیده، آمده است که فرماندهی ایالات متحده در ابتدای کار، در تمایل و علاقمندی اش بمنظور ماندن در اراضی متعلق بافغانستان و استفاده ابزاری از آن بمثابه تخته خیزو محل پرش در قبال روسیه، چین و ایران، دچار اشتباه گردید. بگفته نگارنده، در مرحله نخست، اداره واشنگتن بمنظور جلوگیری از احتمال استقرار سازمان های تروریستی بین المللی در سرزمین ایالات متحده، باراضی و سرزمین متعلق بافغانستان حمله نموده و باشغال آن مبادرت ورزید.

با اینحال، بگونه بسیار سریع، اداره واشنگتن برهبری جورج دبلیو بوش تصمیم اتخاذ نمود تا ساختار کشورما را از بیخ و بن دگرگون نموده و آنرا بربنیاد مدل غربی عیار نماید. در عین حال، واکنش و عکس العمل شهروندان کشورما و بویژه طرزنگاه اهالی محل در قبال خارجی ها و ویژگی های جامعه افغانی که متشکل از ملیت ها، اقوام و قبایل مختلف می باشد، مورد توجه قرار داده نشد.

باید پذیرفت که هیچگونه مدرکی اصلن موجود نمی باشد که نشاندهنده رابطه میان نتایج مطلوب و تلاش لازم به منظور دستیابی آنها در بالاترین سطح باشد. بدلیل فقدان بحث های اینچنینی و عدم تمایل یا ناتوانی های نظامیان ایالات متحده مورد بحث قرار گرفته است.

همچنان در گزارش هایی تحت عنوان "بگو، چگونه این جنگ به پایان می رسد"، آمده بود که مشاوران نظامی ستراتیژیست های "جنگ بی پایان" در افغانستان، توصیه های را برای اداره واشنگتن ارائه نموده بودند که عمدتن دربرگیرنده مسایلی از قبیل لهجه گفتگومیان مقامات ارشد نظامی و ملکی در مورد اهداف مورد نظر وجدی گرفتن و بها دادن به تجربه دیگران بود.

یکشنبه ۳ ماه سرطان سال ۱۴۰۳ خورشیدی برابر با ۲۳ ماخ جون سال ۲۰۲۴ ترسای